



جهانی شدن

و تأثیر آن بر ساختار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرهای اسلامی

دکتر احمد پورا احمد

استاد دانشگاه تهران

رحمان جهانی دولت آباد

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا- برنامه ریزی شهری

چکیده

موضوع کانونی مقاله حاضر تأثیرات جهانی شدن بر ساختار شهرهای کشورهای اسلامی و به طور خاص ساختار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی این شهرها است. در این مقاله، بعد از ارائه مقدمه‌ای در باب فرایند جهانی شدن و ویژگی‌های آن، تأثیرات این فرایند بر هر کدام از ابعاد فوق‌مورد بررسی قرار گرفته است.

از جمله مهم‌ترین تأثیرات جهانی شدن بر ساختار اجتماعی شهرهای کشورهای اسلامی که در این مقاله به آن اشاره شده است، جدایی فضای مقدس (لاهوئی) از فضای نامقدس (ناسوئی) در شهرهای اسلامی و در نتیجه ازدست رفتن ویژگی انسجام بخشی و وحدت بخشی این شهرها است.

تأثیرات جهانی شدن در ساختار اقتصادی کشورهای اسلامی راسی توان در اموری همچون اقتصاد وابسته، قرار گرفتن در یک رابطه نابرابر مرکز-پیرامون با کلان شهرهای غربی، اقتصاد تک محصولی، اقتصاد دوگانه و نابرابری شدید طبقاتی خلاصه نمود.

تغییرات ناشی از فرایند جهانی شدن در ساختار کالبدی شهرهای اسلامی نیز به طوری که در مقاله جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است؛ تغییراتی که در محیط و عناصر طبیعی این شهرها وجود آمده و تغییراتی که در محیط مصنوع و ساخته شده آن ایجاد کرده است.

بنابراین، از نگاه نویسنده، تأثیراتی که جهانی شدن در ساختار شهرهای اسلامی بر جای گذاشته، عموماً تأثیرات ناخوشایندی بوده و در مجموع، این شهرها را، چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، دچار آسیب‌هایی جدی ساخته و آنها را به سمت توسعه‌های ناپایدار سوق داده است. اما با این حال، توجه به این مسئله نیز حائز اهمیت است که جهانی شدن فرایندی همه‌گیر و گریزناپذیر است و هرگز نمی‌توان راه‌حل معضلات موجود آمده در ساختار شهرهای کشورهای اسلامی را در انزوای طلبی و دوری‌گزینی از این فرایند جستجو کرد، بلکه باید جهانی شدن شهرها توأم با محلی ماندن جوامع را به عنوان راه‌حلی ممکن و مطلوب در نظر گرفته و تحقق توسعه پایدار شهری را در گرو تلفیق این دو مدنظر قرار داد؛ چالشی که تادستیابی به راهکارهای اجرایی، همچنان پیش روی سیاست‌گذاران شهری خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، ساختار اجتماعی، ساختار اقتصادی، ساختار کالبدی.

مقدمه

شهر تجلی فضایی نظام‌های اقتصادی - اجتماعی و کالبدی حاکم بر شهروندانش است. این نظام‌ها مناسباتی دیالکتیکی بین شکل و عملکرد شهر برقرار می‌کنند و موجب پویایی مستمر شهر می‌شوند. امروزه با توجه به پیوندهای فراگیر جهانی و نظام‌های باز شهری، درک تحولات و پویای شهری بدون نگاه جهانی کامل نیست.

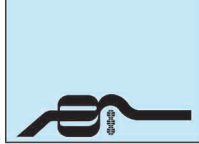
هدف این نوشتار نگاهی گذرا به فرایند جهانی شدن و پیامدهای آن برای طرح مسأله‌ای ویژه شهرهای اسلامی و در واقع تلاشی است برای جلب توجه پژوهشگران شهری کشورمان به این مسأله و برقراری گفتگویی برای یافتن راه‌حل‌ها.

در اثر تحولات مربوط به جهانی شدن، فرایند شهری شدن در شهرهای کشورهای اسلامی شتاب بیشتری به خود گرفته است و در این فرایند، کلانشهرهای بیشتر و بزرگتری پدید می‌آید. اما شهرنشینی شتابان و بویژه رشد کلان شهرها در کشورهای اسلامی پیامدهای شکل آفرینی داشته که دقیق‌تر آن است گفته شود بیشتر آشکارکننده مشکلات نهفته در روستاها (همچون بیکاری، فقر، بدمسکنی و خدمات ناکافی) بوده است تا آنکه خود موجد آنها باشد.

با این حال از دیدگاه بوم‌شناسی این فرایند به صورت کنونی سخت مخاطره‌آمیز است، زیرا الگوهای مصرف، تولید و توزیع ناسازگارتری با طبیعت را رواج می‌دهد که تهی‌سازی منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست را شدت می‌بخشد.

فراکنی رشد کلان شهری کشورهای اسلامی با توجه به کاهش توان دولت‌ها در پاسخگویی به نیازهای شهروندان، بحران‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی را قریب‌الوقوع نشان می‌دهد که هشدار برنایاب‌داری آنهاست (Hall 1998, p. 17-36). بنابراین موضع اساسی ما در این مقاله این است که مسأله اصلی شهری شدن کشورهای اسلامی، چشم‌انداز توسعه‌ای ناپایدار بویژه در کلانشهرهایش با روال کنونی است.

بر این اساس، در این مقاله سعی خواهیم نمود با بررسی ساختار حاکم بر شهرهای اسلامی، نحوه برخورد این شهرها با پدیده جهانی شدن و به تبع



می‌سازد و انسان را آماده می‌کند تا به یک مبداء رجوع کند. شهر اسلامی سنتی به طور مستقیم این وحدت را منعکس می‌کرد. از آنجا که در اسلام تمایزی بین مقدس (لاهوته) و نامقدس (ناسوته) وجود ندارد، وحدتی در معماری شهر راه یافته بود که معماری خانه یا حتی قصر و دیگر بناهای شهری را به معماری مسجد مرتبط می‌ساخت. این وحدت، فضای داخل خانه فرد مسلمان را امتدادی از فضای مسجد قرار می‌داد، که در واقع این امر از یک نقطه نظر، آیینی و همچنین هنری است.

ماهیت فراگیر شریعت که عبادت تا معادلات را در برمی‌گرفت، یکپارچگی همه اشکال فعالیت را در قلب شهر اسلامی امکان‌پذیر می‌ساخت؛ فضاهای ساخته شده برای داد و ستد، با فضاهای طراحی شده برای آموزش، ساخت اشیاء و معاملات تجاری، زندگی خصوصی و فعالیت هنری دارای ارتباط متقابل بود. امروزه (هرچند در مواردی بسیار معدود) قلب بسیاری از شهرهای اسلامی هنوز این وحدت چشمگیر فضا و عملکرد در مسجد، مدرسه، بازار، خانه‌های شخصی و نظایر آن را نمایان می‌سازد (نصر، ۱۳۸۴).

ب) ساختار اقتصادی شهرهای اسلامی

بسیاری از مورخان غربی و شرقی پیشرفت در تولید اقتصاد کشاورزی را عامل اصلی پیدایش شهرهای نخستین می‌دانند. این نظریه مورد پذیرش کسانی که شهر اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌اند، نیز قرار گرفته است. نظریه کانونی پیدایش شهر که بسیاری از مورخان غربی و شرقی در آن اتفاق نظر دارند، نظریه تقدم کشاورزی و تولید اضافی مازاد بر نیاز، افزایش تولید و آزاد کردن بخشی از نیروی کار کشاورزی بر تولیدات صنعتی به مفهوم ابتدایی، پیشرفت در امر توزیع و ایجاد امکان توزیع است که به پیدایش بازار شهر^(۱) منجر گردیده است.

محقق شهر اسلامی حورانی نیز در مقدمه کتاب «شهر اسلامی» هنگام بحث درباره پیدایش شهرهایی که میراث جهان اسلام به شمار می‌روند، به طرح نظریه بالا می‌پردازد (توسلی، ۱۳۷۹: ۳۶-۳۴).

برخی معتقدند که در پی افکنی این شهرها نخستین گام، گزینش جایگاه آن است که اصولاً با دسترسی به آب و وجود راه‌هایی برای پیوستن به کانون‌های شهری دیگر صورت می‌گیرد.

بر پایه این نظریه قرار گرفتن در مجاورت منابع طبیعی، تقدم اقتصاد کشاورزی، خودکفایی و متصل بودن به راه‌های ارتباطی را می‌توان از جمله ویژگی‌های اقتصادی شهرهای اسلامی به شمار آورد. اما مهمترین مشخصه اقتصادی شهرهای اسلامی و دومین عامل اصلی در شکل‌گیری این شهرها، بازار است که اطراف مسجد به طور خطی شکل می‌گرفت و هر شهر حداقل یک بازار داشت که از دروازه آغاز و به میان شهر می‌رسید. بعضی بازارها از یک دروازه تا دروازه دیگر به طور پیوسته امتداد یافته و کیلومترها طول داشتند.

نخستین بازار بعد از مسجد، بازار شمع فروشان، عطاران، مهر و تسبیح فروشان است که در محدوده بلافاصل مسجد قرار می‌گرفت بعد از آن بازار

آن تأثیراتی که این پدیده بر شهرهای اسلامی برجای گذاشته‌اند را مورد کاوش قرار داده و به شمایی کلی از وضعیت فعلی شهرهای اسلامی دست پیدا کنیم.

به این منظور در ادامه ابتدا ساختار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرهای اسلامی را به طور خلاصه مرور کرده و سپس پدیده جهانی شدن را در ارتباط با تحولاتی که در هر کدام از ابعاد مذکور (اقتصادی، اجتماعی و کالبدی) در شهرهای اسلامی ایجاد نموده، بررسی خواهیم نمود.

ساختار شهرهای اسلامی

الف) ساختار اجتماعی شهرهای اسلامی

دو مؤلفه اجتماعی اساسی در شهرهای اسلامی عبارتند از: ۱- مسجد جامع ۲- بازار.

مسجد جامع در مرکز شهر و در اطراف آن بازار وجود داشت، طبقات ثروتمند و مرفه در اطراف بازار سکونت داشتند تا ارتباط بین مسجد و بازار برقرار گردد، در لایه دوم طبقات متوسط و به نسبت آن، طبقات پایین اجتماعی از مرکز شهر به حاشیه شهر قرار داشتند (مصطفی پور، ۱۳۸۷).

اسلام مردم را بر پایه مذهبی مشترک دور هم گرد می‌آورد، با وجود اینکه مسلمانان شخصاً یکدیگر را نمی‌شناسند، اما مذهب یک فضای امن و زمینه‌ای مشترک به نام مسجد به وجود آورده است تا مردم بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و حس اعتماد و اصالت داشته باشند.

مسجد قابل قبول‌ترین و امن‌ترین فضای اجتماعی است که گروه‌های مختلف می‌توانند یکدیگر را ملاقات کنند و باهم تعامل داشته باشند. اهمیت این مکان در مقایسه با دیگر مکان‌های عمومی که در شهرهای غیراسلامی وجود دارد و معمولاً نوعی حس بی‌اعتمادی نسبت به آنها دیده می‌شود، بهتر قابل درک است. در مقایسه با این فضاها، مسجد یک فضای تاریخی است و به دلیل رابطه پذیرفته شده‌اش با مذهب، مشروعیت یافته است؛ این فضا به شکل‌گیری تعامل گروه‌های مختلف و هویت و روابط جدیدشان کمک می‌کند.

قدرت مسجد با نوید جامعه متحد و برابر، بدون جمعیت شهری ناهمگون، تقویت می‌شود. مسجد برای تمام مسلمانان قابل دسترسی است و با آنها با مساوات برخورد می‌کند. وحدت نمازگزاران و احساسات مشترک، در دستورالعمل‌های وحدت بخش و حرکات یکسانی که همزمان اجزا می‌شوند، نمایان است. احساس تعلق به یک جمع به خصوص از طرف زنان به عنوان یکی از دلایل اصلی برای رفتن به مساجد تلقی می‌شود (غنام، ۱۳۸۴).

از دیگر ویژگی‌های مهم شهرهای اسلامی که از ذات خود اسلام نشأت می‌گیرد، می‌توان به فراهم آوردن نوعی وحدت و یکپارچگی زندگی اشاره نمود. اسلام بر پایه وحدت بنا گردیده و وسیله حرکتی است به سمت یکپارچگی زندگی انسانی و در حقیقت از کثرت به وحدت. هر جلوه اصیل از روح اسلامی بازگوکننده اصل توحید است. این اصل پایه تمام هنرها و علوم اسلامی و همچنین شریعت است که همه اعمال انسانی را یگانه

- نمای بیرونی؛ در بخش بیرونی دیوارها، قبرستان‌ها، بازار هفتگی و غیره وجود داشته است (حلبی، ۱۳۷۴).

ساختار کالبدی شهر در دوران اسلامی عبارتند از: مسجد، بازار و محله (مسعود، ۱۳۸۱: ۳۸-۳۶).

ویرث بازار را تنها وجه مشخصه اصلی و بهترین معیار اصالت شهرهای شرق اسلامی در برابر شهرهای دیگر حوزه‌های فرهنگی جهان اسلامی دانسته است (ضیاء توانا، ۱۳۷۰: ۲۰۰-۱۷۳). ناصر اسلامی و ماسیمومورینی نیز در مقاله‌ای درباره شکل و ساختار شهرهای کشورهای اسلامی نوشته‌اند که بازار در شکل خاص خود فرهنگ شهری سلف و دوری و نزدیکی به مراکز تمدن اسلامی را مورد تأکید قرار می‌دهد. به طور کلی ترکیب مسجد جامع، دارالاماره، بازار و تأسیسات وابسته به آن و شکل‌گیری محلات در پیرامون این هسته مرکزی در غالب پژوهش‌هایی که درباره شهرهای کشورهای اسلامی صورت گرفته مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است (مهدوی، ۱۳۷۵: ۶۳-۵۴).

جهانی شدن^(۲) و شهرهای اسلامی

در گذر سالیان اخیر، فرآیندی با شتاب روزافزون در جهت یکپارچگی اقتصادی، افزایش تشابهات فرهنگی و مرز زدایی سیاسی در سطح جهان و عمدتاً از سرچشمه غربی در جریان است که تحت عنوان «جهانی شدن» از آن نام برده می‌شود.

جهانی شدن موجب تغییرات ساختاری در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرهای کشورهای اسلامی شده و بیش از این نیز خواهد شد. چنانچه دغدغه پایداری توسعه را داشته باشیم، بررسی جهانی شدن و پیامدهای شهری آن ضروری است. لیکن نخست مروری گذرا بر پدیده‌هایی که در تجمع و تعامل، بسترساز جهانی شدن شده‌اند، لازم و ضروری به نظر می‌رسد:

● **تحولات جهشی فن‌آوری ارتباطی - رایانه‌ای منجر به ایجاد فضای تازه‌ای در جهان شده است که با حداقل نمودن محدودیت‌های زمانی بر تنگناهای جغرافیایی چیره شده است.** به سخن دیگر، فشرده‌سازی زمان و مکان در فضای جریان‌ها (به تعبیر مانوئل ماستلز) چنان رخ داده است که فضایی مسجازی و تقریباً بدون زمان و مکان به وجود آورده است (Castells, 1996).

● **فضای مجازی گفته شده که فضایی الکترونیک و دیجیتال^(۳) است، اقتصاد جهانی جدیدی پدید آورده است.** این اقتصاد را بی‌وزن نامیده‌اند. در این اقتصاد، رد و بدل کردن اطلاعات بر تبادل کالا برتری یافته و ارزش افزوده اصلی به فرآیند اطلاعاتی و نه تولید کالا بستگی دارد. کل اقتصاد مالی و بخش‌هایی از خدمات که بخش بالنده اقتصاد جهانی است، اقتصادی بی‌وزن است؛ یعنی جابجایی بیشتر کالا را نمی‌طلبد و برای نمونه، با فشار دادن دکمه رایانه‌ای، سرمایه عظیمی در جهان در یک لحظه جابجا می‌شود (گیدنز، ۱۹۹۹، ص ۸). همچنین جریان اطلاعات، سرمایه، خدمات و کالا روز به روز با آزادی بیشتری مرزهای جهان را در می‌نوردد که نمونه آشکار آن در

کتابفروشان، جواهر فروشان، صرافان و چرم سازان بود که برگرد مدارس قرار داشتند. سپس بازار پارچه فروشان یا قیصریه بود که به دلیل اهمیت صنایع نساجی پراهمیت‌ترین بازار و مرکز بازرگانی بازار بود. پس از قیصریه بازار نجاران، مسگران، قفل سازان و سپس حلبی سازان و آهنگران قرار داشت و هر چه بازار به باروی شهر نزدیک‌تر می‌شد، عملکرد تغییر می‌کرد و در رفع نیاز روستاییان عمل می‌کرد. در نهایت بازار نعلبندان، زین سازان و پالان دوزان که نزدیک به دروازه بودند. در بازار کاروان سرا، خانباز و مهمانخانه‌های متعددی برای تجار و بازرگانان بود. هر بازار برای خودش در دروازه داشت که زمان غروب بسته می‌شد. بعضی شغل‌ها مثل نانوائی، بقالی، کبابی و... از این قاعده مستثنی بودند. در واقع شکل‌گیری عناصر بازار و روند توسعه آن بستگی به کارکرد اصلی شهر و میزان رشد اقتصادی جمعیت داشت.

در شهرهای متوسط و کوچکی که مبادلات خارجی آنها زیاد نبود بخش قابل ملاحظه‌ای از بازار به تأمین نیازهای داخلی شهر و ناحیه پیرامونی می‌پرداخت. در واقع فضای بازار به عنوان مهم‌ترین شاهراه حیاتی شهر شناخته می‌شد (نظریان، ۱۳۸۳).

ج) ساختار کالبدی شهرهای اسلامی

شهر اسلامی به لحاظ ساختار کالبدی دارای ویژگی‌های زیر بوده است:
- مسجد؛ که در قلب شهر بود و معمولاً سوق (بازار) آن را احاطه می‌کرد. در اینجا نماز جمعه برپا می‌شد و مدرسه‌ای به آن چسبیده بود که تعلیم علمی و مذهبی را ارایه می‌داد.

- بازار؛ این مورد در مبحث ساختار اقتصادی شهرهای اسلامی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

- ارگ؛ که به قصبه مشهور است نماد حاکمیت بوده است. قصبه - که دور تا دور آن دیوار بود - مشتمل بر ناحیه‌ای بود که دارای مسجد، باغ‌ها و دیوان خانه‌های ساکنان خودش بود و معمولاً در بخش بالایی شهر قرار داشت.

- مناطق مسکونی؛ به مجموعه‌ای از خانوارهای گفته شده که زندگی‌شان بر نزدیکی و صمیمیت استوار بوده است؛ امری که در پیونددهی شخصی، منافع مشترک و وحدت اخلاقی مشترک متجلی بوده است. این مناطق مسکونی عملاً متراکم بوده و هر کدام دارای مسجد، مدرسه، نانوائی، مغازه اشیا و لوازم ضروری مختص به خود بوده است. آنها هر کدام دروازه‌های خودشان را داشته‌اند که معمولاً پس از آخرین عبادت در شب بسته و پیش از آغاز نخستین عبادت صبحگاهی باز می‌شدند. مناطق مسکونی در الجزایر و تونس از چنین نمونه‌هایی بوده‌اند.

- شبکه خیابانی؛ پیوند میان مناطق مسکونی و مکان اصلی از طریق شبکه باریکی از خیابان‌های پیچ در پیچ صورت می‌گرفته است. خیابان‌هایی که خود به خیابان‌ها و بن‌بست‌های شبه خصوصی، خصوصی و عمومی تقسیم می‌شدند.

- دیوار؛ همواره دیوار مستحکمی با تعدادی دروازه، شهر را دربرمی‌گرفته و آن را محافظت می‌نمود.



مذاکرات سازمان تجارت جهانی است.

● **مرزهای لیزبکی در برابر امواج الکترونیک و ارتباطات لحظه‌ای مانع جدی محسوب نمی‌شود.** عوامل فرامرزی خارج از اختیار دولت‌ها تأثیرات تعیین کننده‌ای دارد و بیشتر در چنگ شرکت‌های چندملیتی است. نقش دولت‌ها از دستور و کنترل به سوی تسهیل و بازگیری کشیده می‌شود و جهانی گریزان (به تعبیر آنتونی گیدنز) شکل گرفته که آینده آن قابل پیش‌بینی نیست. دولت‌های ملی تضعیف می‌شوند و واحدهای فضایی جدیدی بنابر تقاضای اقتصاد جهانی به صورت منطقه - کشورها (به تعبیر کیتیچی اوامی) شکل می‌گیرند که کلان شهرهای آنها بیشتر در یکپارچگی با اقتصاد جهانی است تا با منطقه خود و اقتصاد ملی (اوامی، ۱۹۹۵، ص ۲۴-۲۶).

● **جهانی شدن جغرافیای ویژه‌ای دارد که مناطق کلانشهری را به عنوان کانون توسعه خود گلچین می‌کند و آنها را در شبکه‌ای جهانی یکپارچه می‌سازد.** این کلان شهرها مرکز اطلاعات، تولید آینده و ستاد مدیریت (برای تولید و توزیع پراکنده در سطح جهان) هستند و خدمات برای تولید کننده و خدمات مالی بیشترین نقش را در آنها دارد (Sassen, 1991). این گونه کلان شهرها مرکز مدیریت فرآیند تولید است، نه آنکه مکان تولید باشد و در واقع تولید غیرمتمرکز یا متمرکز شدن مدیریت تولید همراه است.

بنابراین، فرآیند جهانی شدن امکان تقه یا احراز کارکردهای تازه‌ای را برای شهرها، و به طور مشخص برای کلان شهرها فراهم آورده است. این کارکردها (به تعبیر ساسکایان) شهر را ۱) مرکز بسیار متمرکز فرماندهی و اتصال با اقتصاد جهانی، ۲) مکان کلیدی برای تأمین سرمایه و شرکت‌های خدمات تخصصی سطح بالا، ۳) محیط نوآوری‌ها در صنایع پیشرو، و ۴) بازار مهم عرضه محصولات و نوآوری‌ها می‌نماید (Sassen, 1991). از این رو، تجدید ساختارهای در حال وقوع در شهرهای کشورهای اسلامی باید در پرتو این کارکردهای جهانی شدن نگریسته و تحلیل شود. هرچند باید تأثیرگذاری متقابل شهرها با توجه به هویت فرهنگی و جغرافیای آنها را نیز در نظر داشت.

از این منظر، مسأله عسارت است از شناخت تحولات ساختاری شهرهای کشورهای اسلامی در اثر فرآیند جهانی شدن به منظور هدایت ارادی آن به سوی توسعه‌ای همه جانبه.

انفعال و چشم بستن بر این فرآیند مساوی است با دستخوش شدن ناخواسته شدن یا پیامدهای نازوشن. با این هدف، در ادامه به بررسی برخی تأثیرات جهانی شدن بر ساختارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهرهای اسلامی می‌پردازیم.

تأثیرات جهانی شدن بر ساختار اجتماعی شهرهای اسلامی

همانطور که قبلاً نیز اشاره کرده‌ایم، یکی از ویژگی‌های مهم شهرهای اسلامی که از ذات خود اسلام نشأت می‌گیرد، فراهم آوردن نوعی وحدت و یکپارچگی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی است. جهانی شدن و تحولات مربوط به آن، این جنبه از وحدت و یکپارچگی تمام فعالیت انسانی

در یک الگوی مطلوب را ویران ساخت. امروزه، فقدان عمومی در وحدت و یکپارچگی زندگی در شهرهای اسلامی موجود آمده است که مستقیماً معماری و برنامه‌ریزی شهری را متأثر می‌سازد. فقدان این وحدت، دست کم در سطح ظاهری، یکی از عوامل اولیه مسبب بحران شهرداری در جهان اسلام است.

این مسئله حتی با این حقیقت برجسته می‌شود که اکثریت وسیعی از مسلمانان هنوز با یک دیدگاه جهانی یکسان زندگی می‌کنند و نمی‌توانند شکل گسسته زندگی را بوسیله ذهنیت و خواست دیگران بر آنها تحمیل کرده‌اند. تحمل کننده دیگرانی که بر طبق الگوهای معماری و برنامه‌ریزی شهری که نه بر پایه وحدت، بلکه بر پایه تمایز و جدایی قلمروهای گوناگون فعالیت انسانی قرار گرفته، برای آنها ساخت و ساز می‌کنند (نصر، ۱۳۸۲).

در واقع تحت تأثیر امواج جهانی شدن، شهرهای اسلامی رفته رفته ماهیت دینی و اسلامی خود را از دست داده و تنها چیزی که باقی می‌ماند جنبه حقوقی دین است، و نه ابعاد اجتماعی آن. از این رو دین آن کارگرد اجتماعی یکپارچه کننده و وحدت بخشی به زندگی را از دست داده و خصوصیت اسلامی معماری و برنامه‌ریزی شهری دچار گسیختگی کلی می‌گردد.

آنچه اهمیت دارد این است که در توسعه شهر جدید یک مسجد یا چند مکان دیگر ایجاد شود. اهمیت کمی دارد اگر باقی شهر شبیه فضاهای شهری دین زدایی شده شهرهای مدرن غربی یا حومه‌ها باشند، که تحت سلطه شدید فردگرایی قرار دارند، باشد. در چنین مکان‌هایی تنها چیزی که اهمیت ندارد، تمامیت زندگی و یکپارچگی اجتماع انسانی است (مصلح‌متج).

از دیگر پیامدهای اجتماعی جهانی شدن بر شهرهای اسلامی می‌توان به فرایندی اشاره نمود که معمولاً با عنوانی همچون آمریکایی شدن^(۱) همگون شدن^(۲) و کالایی شدن^(۳) از آن یاد می‌شود. این عناوین نشانگر سيطرة یک نوع فرهنگ و سبک زندگی آمریکایی (غیر اسلامی) بر شهرهای اسلامی است. نام‌هایی با مارک‌های تجاری بسیاری از محصولات آمریکایی از قبیل کوکاکولا، نایک، برگر کینگ، اپل مک و هالیدی این به وضوح در گوشه و کنار شهرهای اسلامی مشاهده می‌شود.

تأثیرات جهانی شدن بر ساختار اقتصادی شهرهای اسلامی

به صورت کلی تأثیرات جهانی شدن در ساختار اقتصادی کشورهای اسلامی را می‌توان در اموری همچون اقتصاد وابسته، قرار گرفتن در یک رابطه نابرابر مرکز - پیرامون یا کلان شهرهای غربی، اقتصاد تک محصولی، اقتصاد دوگانه و نابرابری شدید طبقاتی خلاصه نمود.

پژوهش‌های بسیار طی دهه اخیر درباره فرآیند جهانی شدن شهرهای اسلامی، بر مشکل آفرینی‌های این پدیده در کنار ایجاد فرصت‌های توسعه دلالت دارد.

فضای منتخب جهانی شدن در شهرهای اسلامی محدود و برخوردار از از جهش کیفی آن منحصر به قشری کوچک است. دوگانگی اقتصاد این شهرها تشدید شده و در گسترش دو سطحی بودن زندگی شهری تجلی

الف - عناصر طبیعی و بستر مکانی یک شهر: نمود ظاهری از یک شهر در نگاه نخست می‌تواند شامل عناصر طبیعی و بستر مکانی آن باشد که اغلب به عنوان عناصر و میراث طبیعی در نظر عامه‌ی مردم خودنمایی می‌کنند. ساختار طبیعی یک منطقه به عنوان نخستین بستر فعالیت‌های اولیه تلقی می‌شود و به عبارتی، فاکتورهای طبیعی، اکولوژیکی و جغرافیایی اولین عناصر هویت بخش به یک شهر و عناصر درون آن تلقی می‌شوند. این فاکتورها می‌تواند عناصری همچون رودها و نوار ساحلی، ویژگی‌های اقلیمی شامل بارش، دما، رطوبت، باد و غیره منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، ساختار زمین‌شناسی و توپوگرافیک، پوشش گیاهی و جانوری، منابع و سایر جاذبه‌های طبیعی را شامل شود.

ب - عناصر مصنوع یا ساخته شده یک شهر: شکل و ساختار ظاهری یک شهر علاوه بر ساختار طبیعی، توسط عناصر و سازه‌هایی مصنوع به دست انسان شکل می‌گیرد. هویت کالبدی، آن عامل غالب هویتی است که بافت و ساختار و شکل شهر به آن هویت وابسته است. برای مثال اسلام و نشانه‌های اسلامی می‌تواند عامل غالب هویتی در یک شهر اسلامی باشد.

از دیدگاه کوئین لینچ عناصر هویت بخشی شهر عبارتند از: راه‌ها و شبکه ارتباطی، لبه‌ها، محله‌ها، گره‌ها، نشانه‌ها. به تعبیری بافت کالبدی و ساختار مکانی شهرها یکی از مهمترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می‌دهد. از طرفی همین محیط مصنوع است که بعنوان آئینه‌ای تمام‌نما از تاریخ و رویدادهای آن مطرح می‌گردد. از این روی وجه حاضر از شهر مهمترین وجه تمایز میان شهرهای نو و کهن تلقی شده و در بررسی توسعه یک شهر می‌بایست مدنظر باشد (خبرگزاری فارس، عناصر ساختاری هویت شهر، ۸۸/۱/۸). با این مقدمه می‌توان عنوان نمود که جهانی شدن به نحوی هم عناصر طبیعی و بستر مکانی شهرهای کشورهای اسلامی و هم عناصر مصنوع یا ساخته شده آن را دستخوش تحول و دگرگونی کرده است. تغییراتی که در اثر جهانی شدن و تحولات مربوط به آن، بویژه تحولات تکنولوژیکی، در ساختار کالبدی بخش عمده‌ای از شهرهای اسلامی بوجود آمده، عموماً نامطلوب بوده و با ماهیت اسلامی این شهرها در تناقض بوده است.

از تأثیرات جهانی شدن در محیط طبیعی شهرهای اسلامی می‌توان به مواردی از قبیل تخریب زیست محیطی، از هم پاشیدن ساختار شهرها در نتیجه جنگ‌های جدید و انقلابات اجتماعی و سیاسی و... اشاره نمود. ویژگی مهم تحولات مربوط به فرایند جهانی شدن، غیرقابل کنترل بودن آنها در سطوح ملی و محلی است.

امروزه تهدیداتی که متوجه سیاره زمین است، در اثر جهانی شدن جنبه‌های فرامحلی به خود گرفته‌اند. انتشار گازهای گلخانه‌ای، بالا آمدن سطح اقیانوس‌ها در اثر ذوب یخچال‌های قطبی، تهدید لایه ازن و تغییرات اقلیمی و غیره موضوعاتی نیستند که بتوان آنها را در سطح محلی یا حتی ملی بررسی کرد، در عین حال این مسائل در ساختار کالبدی تمام شهرهای امروزی، از جمله شهرهای کشورهای اسلامی، تأثیراتی عمیق به جای گذاشته است (حاتمی‌نژاد، جهانگیر، ۱۳۸۶).

همچنین، همانگونه که اشاره شد، جهانی شدن تغییراتی نیز در محیط و

می‌یابد (شورت وکیم، ۱۳۸۶). فقر و بیکاری همراه با غنا و کارهای پردرآمد رشد می‌کند. حضور شرکت‌های چند ملیتی با نداشتن تعلق خاطر به بوم و عدم الزام به پاسخگویی محلی و ملی، باعث بهره‌کشی بی‌رحمانه از منابع طبیعی می‌شود.

رقابت سهمگینی بین شهرها در جذب سرمایه‌های سیال بین‌المللی در برمی‌گیرد که یکپارچگی منطقه‌ای و وحدت ملی را مخدوش می‌کند. جهانی شدن در بعد اقتصادی، در رابطه‌ای یک سویه، به آمریکایی شدن بیشتر شباهت پیدا کرده و از شکوفایی اقتصادهای بومی و کثرت‌گرایی جلوگیری می‌کند. و سرانجام کلان شهرهای غوطه‌ور در این فرآیند به پایگاه‌های تاراج جهانی و حداکثر، به جزایر نیکبختی در اقیانوس نگون‌بختی بدل می‌شوند و باز هم مسأله اساسی شهرنشینی کشورهای اسلامی ناپایداری توسعه آن خواهد بود.

آنچه گفته شد، روالی از جهانی شدن است که برپایه نئولیبرالیسم غرب (با تفوق ایالات متحده) در برخی از کلانشهرهای این کشورها هویدا است. لیکن جهانی شدن در بعضی کلان شهرهای جهان، چهره و روال دیگری را به نمایش گذاشته که حاکی از قابلیت‌های متضاد این فرآیند است. در این روال، کلانشهر همچون پل ارتباطی میان توسعه جهانی و توسعه ملی و منطقه‌ای، دو سویه عمل نموده و انتشار عوامل توسعه آفرین به دیگر نواحی کشور را پشتیبانی می‌کند (صرافی، ۱۳۷۷، ص ۳۳-۴۵).

کلان شهر با مشارکت فعال در نظام جهانی و پاسداری از هویت فرهنگی اجتماعات خودی، راهگشای همبستگی بین‌المللی (مصدق دهکده جهانی) به جای وابستگی (مصدق مکان تاراج جهانی) می‌شود. البته چنین روالی تاکنون اغلب برای کلان شهرهای غربی و معدودی کلانشهر در شرق پیش آمده است.

به طور کلی، فراوانی جنبه‌های منفی جهانی شدن برای شهرهای اسلامی باعث شده است که سازمان‌های جهانی «چهره انسانی دادن به جهانی شدن» را سرلوحه خود قرار دهند (United Nation Programms, 1999).

تأثیرات جهانی شدن بر ساختار کالبدی شهرهای اسلامی

هر شهر دارای دو بعد کارکردی و کالبدی است، لذا ابعاد مختلف هویت وابسته به آن نیز دارای دو وجه مذکور خواهد بود. بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که عناصر کالبدی یا سیمای شهری یکی از مهمترین ارکان هویتی یک شهر محسوب می‌شود.

بدیهی است که اولین برخورد با هر شیئی، پدیده یا موجودی، سیما و کالبد ظاهری آن است؛ وجه‌های قابل ادراک که با حواس پنجگانه براحتی قابل تشخیص و بازشناسی است.

با این توضیح حال اگر در تعریفی اولیه، شهر را مجموعه‌ای از ساختمانها، عناصر و مراکز شهری بدانیم، بی‌شک می‌بایست ظاهری برای آن متصور گردیم که در صورت هویت‌دار بودن یا ساخته شدن و هر فعل دیگری بتواند منحصر به خود باشد. عناصر تشکیل دهنده ساختار کالبدی شهر را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

عناصر مصنوع شهرهای کشورهای اسلامی ایجاد کرده و از این جهت نیز در ساختار کالبدی این شهرها تأثیر گذاشته است. به طور کلی، کالبد شهرها برآیند اثر سایر نیروهای است که (همانطور که در قسمت‌های قبلی به آن اشاره شد) بوسیله جهانی شدن در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرهای اسلامی بوجود آمده‌اند. هر یک از این ساختارهای شو می‌توانند اثری بر کالبد و قوم شهرها داشته باشند که مجموعه این تأثیرات شهرها را از نظر فیزیکی دچار شدیدترین تحولات نماید جهانی شدن در ساخت کالبدی شهرها، بویژه از جنبه معماری ساختمان‌ها و بناها نیز تأثیر گذاشته است.

استفاده از معماری در جهت نمایش شکوه و قدرت از دیرباز مورد توجه انسان بوده است و حال در این عصر برای نمایش قدرت حاصله از سرمایه‌داری جهانی، سبک‌های معماری خاصی رایج گردیده است که شهرهای کشورهای را از نظر شکل ظاهری آنها دستخوش تحول می‌کند. مهم‌ترین نتیجه این تحولات برای شهرهای اسلامی این است که این شهرها تا حد زیادی هویت اسلامی خود را از دست داده و بیشتر از اینکه نشاندهنده هویت و شکوه فرهنگ اسلامی باشند، شاید نمایانگر قدرت سرمایه‌داری و قدرت فرهنگ آمریکایی‌اند (همان‌منبع).

جهانبندی و تبع‌گیری

مقاله حاضر تأثیرات جهانی شدن بر ساختار شهرهای کشورهای اسلامی، و به طور خاص بر ساختار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی این شهرها، تمرکز دارد. در این مقاله، بعد از ارائه مقدمه‌ای در باب فرایند جهانی شدن و ویژگی‌های آن، تأثیرات این فرایند بر هر کدام از ابعاد فوق‌مورد بررسی قرار گرفت.

از جمله مهم‌ترین تأثیرات جهانی شدن بر ساختار اجتماعی شهرهای کشورهای اسلامی، که در این مقاله به آن اشاره شد، جذابی فضای مقدس (لاهوئی) از فضای نامقدس (ناسوئی) در شهرهای اسلامی و در نتیجه از دست رفتن ویژگی‌های الهام‌بخشی و وحدت بخشی این شهرها بود. در زمینه تأثیرات جهانی شدن در ساختار اقتصادی کشورهای به اموری همچون اقتصاد وابسته، قرار گرفتن در یک رابطه نابرابر مرکز-پیرامون یا کلان‌شهرهای غریب، اقتصاد تک‌محصولی، اقتصاد دوگانه و نابرابری شدید طبقاتی اشاره شد.

جهانی شدن در ساختار کالبدی شهرهای کشورهای اسلامی نیز تأثیرات قابل ملاحظه‌ای برجای گذاشته است، که در این مقاله، به طور کلی تغییرات ناشی از این فرایند در ساختار کالبدی شهرهای اسلامی در دو مقوله جداگانه مورد بررسی قرار گرفت: تغییراتی که در محیط و عناصر طبیعی این شهرها بوجود آمده و تغییراتی که در محیط مصنوع و ساخته شده آن ایجاد گردیده است.

بنابراین، از نگاه نویسنده، تأثیراتی که جهانی شدن در ساختار شهرهای اسلامی برجای گذاشته، عموماً تأثیرات ناخوشایندی بوده و در مجموع، این شهرها را، چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، دچار

آسیب‌هایی جدی ساخته و آنها را به سمت توسعه‌های ناپایدار سوق داده است. اما با این حال، توجه به این مسئله نیز حائز اهمیت است که جهانی شدن فرایندی همه‌گیر و گریزناپذیر است، و هرگز نمی‌توان راه‌حلی معضلات بوجود آمده، در ساختار شهرهای کشورهای اسلامی را در انزوای محلی و دوری‌گزینی از این فرایند جستجو کرد. در عصری که شهری شدن جهان با شتاب ادامه دارد، فارغ از خواست ما جهانی شدن شهرها نیز شتابان به پیش می‌رود؛ فرایندی که بیسما و امیدهای بسیار برانگیخته و می‌تواند پیامدهای متضادی به بار آورد. فرصتی تاریخی در اختیار دولت‌ها، مدیران و برنامه‌ریزان شهری است تا برای تحقق روال مطلوب و پیامدهای مثبت جهانی شدن تلاش کنند؛ مقابله‌جویی و نگرانی‌ها را پیاده و رانگاز گذارند و به جستجوی راه مشارکت مثبت و سنجیده در این فرایند برای دستیابی به توسعه پایدار بپردازند.

جداً از مباحث این نوشتار، لازم است یادآوری شود فرایند جهانی دیگری نیز در سطح جوامع و نواحی در دفاع از هویت بومی و در جهت تشدید محلی‌گرایی مشاهده می‌شود که از آن تحت عنوان «محلی‌شدن»^(۷) نام برده می‌شود. *Howl Banki 1999* این فرایند قابلیت استفاده برای تحقق چهره‌آسانی جهانی شدن دارد. به سخن دیگر، چنان‌که بیشتر اشاره شد مسأله اساسی کشورهای توسعه‌یافته در فرایندهای شهری شدن و جهانی شدن آن است. راهبرد محوری در این ارتباط، اعمال حاکمیت (کنترل، نظارت و مشارکت) شهروندانی است که در قلمرو جوامع محلی خود، پایبندی زیست‌بومشان را مدنظر دارند و نیز مورد حمایت دولت ملی می‌باشند (صراف، ۱۳۷۷، ص ۳۳-۲۵).

در این صورت امید می‌رود که با تلفیقی از سیاست‌های مثبتی بر حفظ هویت فرهنگی جوامع و ارزش‌های جهان‌شمول شهری، و همچنین با بهره‌مندی عادلانه جوامع از مواهب توسعه در کنار رشد سریع و گسترده ناشی از همبستگی جهانی، این مهم جامعه عمل پوشد. جهانی شدن به تقویت اینسکی مکان‌ها، کارکردها و اقشار محدود و متخلفی در شهرهای اسلامی می‌انجامد که در پیوندی عمدتاً یکسویه و فرامرزی با غوب قرار می‌گیرند.

به گفته ایمانوئل کاستلز، جامعه شبکه‌ای و فضای جریان‌ها پیگره‌بندی جهانی جدیدی است که کارکرد آن انتقال چیزهایی است که برای نظام سرمایه‌داری جهانی با ارزش است (صراف، شهری شدن، ۱۳۷۰). مهار کردن پیامدهای منفی جهانی شدن که به حاشیه‌ای شدن اکثریت باشندگان جوامع محلی و از هم‌گسختگی همبستگی ملی می‌انجامد، یا همان راهبرد اعمال حاکمیت شهروندان از طریق نهادهای مدنی برآمده از قلمروهای محلی میسر است.

در برابر مسائلی که در رابطه با ناپایداری به آنها اشاره شد، فرغیبه پایانی این نوشتار این است: جهانی شدن شهرها توأم با محلی‌ماندن جوامع امکان‌پذیر و تحقق توسعه پایدار شهری در گمراهی تلقی این‌ها است. چالش‌هایی که تا دستیابی به راهکارهای اجرایی، همچنان پیش روی سیاست‌گذاران شهری خواهد بود.

